

آندره ژید

مآده‌های زمینی و

مآده‌های تازه

برگردان مهستی بحرینی

همراه با یادداشتی از

مصطفی ملکیان



انتشارات نیلوفر

فهرست

۷	یادداشت مترجم
۱۳	مائده‌های زمینی
۱۵	دیباچه چاپ ۱۹۲۷
۲۱	کتاب نخست
۴۱	کتاب دوم
۵۵	کتاب سوم
۷۳	کتاب چهارم
۱۱۱	کتاب پنجم
۱۳۱	کتاب ششم
۱۵۳	کتاب هفتم
۱۷۵	کتاب هشتم
۱۸۷	سرودی به جای پایان
۱۸۹	شعر پیشکشی
۱۹۳	مائده‌های تازه
۱۹۵	کتاب نخست
۲۲۹	کتاب دوم
۲۴۵	کتاب سوم
۲۶۵	کتاب چهارم
۲۸۳	ستایش و ارستگی: فلسفه زندگی آندره ژید

یادداشت مترجم

آندره ژید نویسنده نامدار فرانسوی که مدت نیم قرن حضوری نمایان در عرصه ادب فرانسه داشت و تأثیر شگفت آور نوشته‌هایش در سال‌های پس از جنگ جهانی بر اکثر مخاطبان و به ویژه بر نسل جوان انکارناپذیر است، به سال ۱۸۶۹ در پاریس چشم به جهان گشود. پدرش استاد حقوق و مادرش دختر یکی از بورژواهای ثروتمند نرماندی بود. ژید در خانواده‌ای پایبند به سنت‌های مذهب پروتستان پرورش یافت و سال‌های نوجوانی و جوانی او تحت تأثیر این امر قرار گرفت. در کودکی، به سبب بیماری نتوانست به طور منظم به تحصیل در مدرسه ادامه دهد اما از آنجا که در خانواده‌ای علاقه‌مند به علم و فرهنگ می‌زیست توانست این کمبود را به خوبی جبران کند و در خانه به تحصیل ادامه دهد. پس از مرگ پدر به سال ۱۸۸۰، سرپرستی او به مادر دقیق و سختگیرش واگذار شد که با توجه و دلسوزی بیش از اندازه، پسر را به ستوه آورده بود. در این سال‌ها، ژید در محیطی زنانه می‌زیست. در پانزده سالگی، با عشقی بی‌آلایش و عرفانی، به دخترخاله‌اش **مادلن روندو** دل بست. این دلبستگی در سال ۱۸۹۵ به ازدواج انجامید و به رغم تمایلات دیگرگون ژید، آن دو تا سال ۱۹۳۸ (سال مرگ مادلن) سعادتمندانه در کنار یکدیگر زیستند.

ژید فعالیت ادبی خود را در بیست و دو سالگی (۱۸۹۱) آغاز کرد. از آنجا که به یاری بخت از رفاه مالی برخوردار بود و نیازی به کارکردن نداشت، توانست با فراغ بال به نوشتن بپردازد و از پشتیبانی معنوی نویسندگان و شاعرانی چون **پیر لوییس، پل والرئ** و **استفان مالارمه** بهره‌مند شود. به ویژه دوستی او با مالارمه سبب شد که

در آغاز کار به مکتب سمبولیسم روی آورد. مهم‌ترین آثار او در این دوران عبارتند از: یادداشت‌های روزانه آندره والتر، شعرهای آندره والتر، رساله نرگس و سفر اورین. اما طولی نکشید که از این مکتب رویگردان شده و او نیز مانند مونتئی، روسو و استندال زندگی درونی انسان را موضوع آثار خود قرار داد و با تجزیه و تحلیل مداوم و مستمر مسائل عاطفی و روانی خویش، کوشید تا از خواست‌ها، نیازها، اضطراب‌ها، ضعف‌ها، توانمندی‌ها و پیچیدگی‌های روح بشر پرده بردارد.

ژید در بیست و چهار سالگی (۱۸۹۳)، درحالی که به شدت بیمار بود و می‌پنداشت که زندگی‌اش با خطری جدی روبروست، به تونس رفت اما دو سال بعد (۱۸۹۵)، هنگامی که از افریقای شمالی به فرانسه بازگشت، تغییری ژرف در او پدید آمده بود و جدا از بهبود کامل، از بسیاری قید و بندهای جسمی و روحی رهایی یافته بود. از این پس، دست به نوشتن آثاری زد که از تجربیاتی سرچشمه می‌گرفت که از او «موجودی تازه» ساخته بودند. از میان این آثار می‌توان از مائده‌های زمینی (۱۸۹۷)، ضد اخلاق (۱۹۰۲) و در تنگ (۱۹۰۹) نام برد، اما کتابی که مایه موفقیت او شد دخمه‌های واتیکان بود که به سبب لحن جسورانه‌اش شهرتی ناگهانی برایش به ارمغان آورد.

ژید با آغاز جنگ جهانی اول خاموشی گزید و تنها به نوشتن خاطرات روزانه‌اش بسنده کرد اما پس از آن باز دست به نوشتن برد: سنفونی پاستورال (۱۹۱۹)، اگر دانه نمیرد (۱۹۲۰) - که در این کتاب واقعیت‌های زندگی خود را بی‌پرده بیان می‌کند -، کوریدون (۱۹۲۴) - که در آن به صراحت به طرح مسائل جسمانی می‌پردازد - و سرانجام، سکه‌سازان (۱۹۲۵) که بنا به نظر منتقدان یکی از مهم‌ترین رمان‌های جهان به شمار می‌رود و ژید با این کتاب شیوه تازه‌ای در رمان فرانسوی بنیاد نهاده حاصل این دوران است.

آندره ژید در نوشته‌های خود تنها به بحران‌های عاطفی، اخلاقی و فکری بشر نمی‌پرداخت بلکه به مسائل و مشکلات جوامع مختلف نیز توجهی خاص داشت. پس از سفر به افریقای سیاه، کتابی بر ضد استعمار نوشت (بازگشت از کنگو، ۱۹۲۷؛ بازگشت از چاد، ۱۹۲۸). همچنین پس از آنکه طبع عدالت جوی او گرایشی به کمونیسم یافت، به شوروی رفت تا چنانکه خود می‌گفت «شاهد تجلی امری

ناممکن» شود، اما اوضاع اجتماعی و سیاسی آن کشور انتظار ژید را برنیآورد (بازگشت از شوروی، ۱۹۳۶) و او چندی بعد از حزب کمونیست کناره جست. آثار ژید با بیش از شصت عنوان، همه انواع ادبی را از روایت، رمان و نمایشنامه گرفته تا خاطرات، زندگینامه و سفرنامه در بر می‌گیرد اما حضور مداوم نویسنده و حدت بخش این مجموعه متنوع است. ژید که همواره از دورویی و تظاهر دوری می‌جست، به سبب بیان بی‌پرده مسائل عاطفی و اخلاقی مخالفت بسیاری از هم‌عصران خود را برانگیخت، اما به رغم این مخالفت‌ها، پیروان و دوستداران بسیار یافت و نوشته‌هایش تأثیری ژرف در اندیشه مخاطبان بر جای گذاشت. به سال ۱۹۴۷ جایزه ادبی نوبل را از آن خود کرد و در ۱۹۵۱ چشم از جهان فرو بست.

ژید معتقد بود که مهم‌ترین اصل برای هر کسی آن است که به رغم همه ابهامات و چندگانگی‌هایی که در درون خود سراخ دارد، با خویشتن خویش صادق باشد. سرتاسر مائده‌های زمینی گواه این مدعاست. او هرگز در پی آن نبود که مریدان و پیروانی برای خود گرد آورد و به صراحت گفته است: «کتابم را به دور افکن... گمان مبر که کسی دیگر بر حقیقت «تو» دست یابد...» به خود بگو که این تنها یکی از هزاران نگرش ممکن در رویارویی با زندگی است. نگرش خود را بجوی (ص ۱۹۵).

چنانکه گذشت، اقامت دو ساله ژید در افریقای شمالی، نه تنها به بهبود کامل وی از بیماری سختی انجامید که زندگی‌اش را به خطر افکنده بود، بلکه دگرگونی شگرفی نیز در روح او پدید آورد. مائده‌های زمینی ثمره این تحول فکری و روحی است و برخلاف کسانی که آن را «ستایش امیال و غرایز» نامیدند، این کتاب در ستایش خوشباشی و شادمانی است و پیوسته مخاطبان خود را به صید «کبوتر وحشی شادی» فرا می‌خواند. می‌نویسد: «ادبیات ما و بخصوص ادبیات رمانتیک، اندوه را ستوده، پرورده و گسترش داده است. شادی امری پیش پا افتاده می‌نمود که نشان از سلامتی بلهانه داشت و چهره‌ها به دیدن خنده دیگران در هم کشیده می‌شد. اندوه معنویت را به انحصار خود درآورده بود و بنابراین، از عمق ژرف اندیشی حکایت داشت.»

(ص ۲۶۲)

و نیز: «از دیرباز شادی به چشم نایاب‌تر، دشوارتر و زیباتر از اندوه جلوه کرده